

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دفتر برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری امور پژوهشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری پس از بررسی مستندات کنگره، با توجه به جایگاه علمی برگزارکنندگان و کارگروه مربوط به آن، سطح علمی و پژوهشی چهارمین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی را تایید کرد. این موضوع طی نامه‌ای به شماره ۱۳۹۵۶۸ مورخ ۱۳۹۵/۰۷/۰۳ به اطلاع شورای سیاست‌گذاری کنگره رسیده است.



**مجموعه مقالات  
چهارمین کنگره بین المللی  
علوم انسانی اسلامی**

**کمیسیون تخصصی تمدن نوین اسلامی**

## اسامی هیئت داوران

### کمیسیون «تمدن نوین اسلامی» رئیس کمیسیون: دکتر فرزاد جهان‌بین

اسامی داوران به ترتیب حروف الفبا:

- مصطفی جمالی: استادیار فرهنگستان علوم اسلامی
- فرزاد جهان‌بین: استادیار دانشگاه شاهد
- محمدرضا خاکی قراملکی: عضو هیئت علمی فرهنگستان علوم اسلامی
- رضا رمضان نرگسی: استادیار گروه تاریخ و اندیشه معاصر مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)
- امین‌رضا عابدی‌نژاد: دکترای فلسفه تطبیقی و استاد حوزه علمیه قم
- رضا غلامی: عضو هیئت علمی مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا
- عبدالله فتحی: عضو هیئت علمی مؤسسه امام خمینی (ره)
- سید محمدتقی موحد ابطحی: دکترای فلسفه علم و فناوری
- سید علیرضا واسعی: عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
- عبدالرسول یعقوبی: عضو هیئت علمی مؤسسه امام خمینی (ره)



سرشناسه	کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی (چهارمین : ۱۳۹۶ : تهران)
عنوان و نام پدیدآور	International Conference on Islamic Humanities (4th : 2017 : Tehran)
در چهارمین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی : حامیان برگزاری کنگره مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا ... (و دیگران) :	مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی نویسندگان جمعی از نویسندگان مقاله ویراستار مرتضی طباطبایی.
مشخصات نشر	تهران: آفتاب توسعه، ۱۳۹۸ -
مشخصات ظاهری	ج ۱۰ :
شابک	شابک : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۶۸۹ : دوره : ج ۱۰ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۰۲۱ : ج ۱۰ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۱۹ : ج ۲ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۲۶ : ج ۳ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۳۳ : ج ۴ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۴۰ : ج ۵ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۵۷ : ج ۶ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۶۴ : ج ۷ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۷۱ : ج ۸ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۸۸ : ج ۹ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۹۵ : ج ۱۰ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۸۰۰
وضعیت فهرست نویسی	فیبیا :
یادداشت	کتابنامه .
مندرجات	ج ۱ : کمیسیون تخصصی تعلیم و تربیت اسلامی - ج ۲ : کمیسیون تخصصی فلسفه و روش‌شناسی علوم انسانی اسلامی - ج ۳ : کمیسیون تخصصی مدیریت اسلامی - ج ۴ : کمیسیون تخصصی علوم سیاسی اسلامی - ج ۵ : کمیسیون تخصصی اقتصاد اسلامی - ج ۶ : مقالات کمیسیون تخصصی تمدن نوین اسلامی - ج ۷ : مقالات کمیسیون تخصصی روان‌شناسی اسلامی - ج ۸ : مقالات کمیسیون تخصصی هنر و معماری اسلامی اسلامی - ج ۹ : مقالات کمیسیون تخصصی فقه و حقوق اسلامی - ج ۱۰ : مقالات کمیسیون تخصصی ارتباطات و جامعه‌شناسی اسلامی -
موضوع	علوم انسانی(اسلام) -- کنگره‌ها
موضوع	Humanities (Islam) -- Congresses :
موضوع	علوم انسانی -- کنگره‌ها
موضوع	Humanities -- Congresses :
شناسه افزوده	مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا
رده بندی کنگره	BP۲۳۲ :
رده بندی دیویی	۲۹۷/۴۸۵ :
شماره کتابشناسی ملی	۵۹۴۰۳۹۸ :

## مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی

جلد ششم | کمیسیون تخصصی تمدن نوین اسلامی

ناشر: انتشارات آفتاب توسعه (ناشر آثار مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا)

نویسندگان: جمعی از نویسندگان مقاله‌در چهارمین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی

ویراستار: مرتضی طباطبایی

طراحی جلد: سید ایمان نوری نجفی

صفحه آرای: یوسف بهرخ

نوبت و سال انتشار: نخست، بهار ۱۳۹۸

شمارگان: ۵۰۰ دوره

شابک دوره: ۹-۶۸-۷۸۶۷-۹۶۴-۹۷۸

شابک: ۷-۷۵-۷۸۶۷-۹۶۴-۹۷۸

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

نشانی ناشر: تهران، خیابان جمهوری اسلامی، خیابان کشور دوست، کوچه نوشیروان،

پلاک ۲۶، طبقه چهارم، مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا

تلفکس: ۰۹۰۵۶۰۶۶۴، کد پستی: ۱۳۱۶۷۳۴۴۵۸

پایگاه اینترنتی: [www.sccsr.ac.ir](http://www.sccsr.ac.ir)

رایانامه: [info@sccsr.ac.ir](mailto:info@sccsr.ac.ir)

## فهرست مطالب

### کمیسیون تخصصی تمدن نوین اسلامی

۹

الگوی تاریخ‌پژوهی مبتنی بر آیات و روایات و اصول کلامی امامیه: چپستی، چرایی، چگونگی  
رسول رضوی، محمد پارچه‌باف دولتی، ایمان روشن بین

۳۵

کاربرد روش‌پژوهی در مطالعات تمدن اسلامی  
مسعود مطهری نسب

۵۷

تبیین رابطه فقه نظام و علوم انسانی و نقش آن در تحقق تمدن نوین اسلام  
امین رضا عابدی نژاد

۷۹

نقش سبک زندگی ایرانی اسلامی در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی  
محمد رحیمی کلشادی (نویسنده مسئول)، غلامرضا گودرزی، مریم رحیمی کلشادی

۱۰۵

کنکاش در چپستی و اجزای ذاتی مفهوم «تحول» در علوم انسانی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای  
سید هادی موسوی

۱۳۱

نقش قدرت و اقتدار سیاسی حکومت‌های اسلامی در شکوفایی تمدن نوین اسلامی  
دوست‌علی سنچولی، ملیحه ابویسانی

۱۵۵

نقش علوم انسانی اسلامی در تمدن نوین اسلامی از نگاه مقام معظم رهبری  
مهدی ابوطالبی

۱۸۳

درآمدی بر الگوی دستیابی به علوم انسانی اسلامی  
بر اساس اندیشه تمدنی آیت الله العظمی خامنه‌ای  
مصطفی جمالی، علیرضا جمالی، عباس درویشی

۲۱۷

الگوی اعتبارسنجی منابع متداول تاریخی مبتنی بر قرآن و روایات و اصول کلامی امامیه  
(مطالعه موردی: تأثیر باورهای کلامی ابن هشام بر تألیف السیرة النبویه)  
ایمان روشن‌بین

۲۵۱

نگاه مقایسه‌ای به معرفت‌شناسی ساختارگرا و تکامل‌گرا در تحول علوم انسانی و تأثیر آن  
در مهندسی تمدن نوین اسلامی  
ابراهیم صادقی، محمدرضا خاکی قراملکی

۲۸۵

الزامات نظریه حاکم بر ساخت تمدن اسلامی  
مصطفی جمالی، حسن شیخ‌العراقین زاده



# الگوی تاریخ‌پژوهی مبتنی بر آیات و روایات و اصول کلامی امامیه: چرایی، چگونگی

رسول رضوی

دانشیار گروه کلام دانشگاه قرآن و حدیث، ایران، تهران.

razavi.r@chmail.ir

محمد پارچه‌باف دولتی

عضو گروه کلام دانشگاه قرآن و حدیث، ایران، تهران.

muhammaddowlati@gmail.com

ایمان روشن‌بین

دانشجوی دکتری کلام امامیه، دانشگاه قرآن و حدیث پردیس تهران، ایران، تهران. (نویسنده مسئول)

Iman\_roshanbin@yahoo.com

## چکیده

امروزه بحث تاریخ‌فکر به یکی از دغدغه‌های محققان تبدیل شده و رویکرد غالب نگرش فلسفی در فضای دانشگاهی درباره باور امامت‌شناختی، تاریخی است و کمتر مناظرات کلامی را برمی‌تابند. به عبارت دیگر دنیای مدرن، بیشتر تمایل دارد ماهیت تشیع را با رویکرد تاریخی بشناسد. از این رو برای اثبات اصالت تاریخی یک باور امامتی، نخستین ادوار تاریخی شیعه از مهم‌ترین بخش‌های شناخت و تحلیل این مکتب به شمار می‌آید. در طول تاریخ، قدرت حاکم و گفتمان غالب، متعلق به پیروان مکتب خلفا بوده و لذا شواهد پرشماری وجود دارد که تاریخ‌نگاری در منابع اولیه، تحت تأثیر باورهای کلامی و تعلقات سیاسی و قومی

\* این مقاله با هماهنگی دبیرخانه دانشی کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی در فصلنامه شماره پنجم تحقیقات بنیادین علوم انسانی منتشر شده است.

مورخان سنی مذهب بوده است. از این رو در نقل گزارش‌های تاریخی بین عامه و خاصه و گاه بین خود عامه با اختلاف در محتوا روبه‌رویم. نکته مهم آن است که این اختلاف‌ها در محتوا، مستندی برای باورهای غلط می‌شود و یا باورهای غلط را ایجاد می‌کند. از سوی دیگر نقل نادرست گزارش تاریخی، شواهد موجود تاریخ بر باورهای کلامی را از بین می‌برد و سبب ایجاد شبهات کلامی با پوشش تاریخی می‌شود.

بنابراین باید روش و الگویی ارائه داد تا با گردآوری گزارش‌های تاریخی قرآن و سنت به عنوان متقن‌ترین و قطعی‌ترین تاریخ مکتوب و حیانی و با تکیه بر باورهای کلامی شیعه و مطالعات تطبیقی میان منابع تاریخی و رمزگشایی از گفتمان غالب، به تاریخ قطعی دست یابیم؛ تاریخی که اصالت تاریخی باور امامیه را از میان نخستین ادوار به اثبات رساند و مبین باورهای شیعی باشد. به چنین پژوهشی «تاریخ پژوهی مبتنی بر آیات و روایات و اصول کلامی امامیه» گفته می‌شود که بازگوکننده تاریخ درخور اعتماد و اتکایی است و بررسی آن گویای شواهدی بر باورهای کلامی شیعی است و مطالعه‌اش حاوی استخراج مستندات باورهای کلامی امامیه و تحلیلش مبین باورهاست. همچنین این تاریخ قطعی، به خودی خود منبعی برای باورسازی به صورت مستقل خواهد بود. این مقاله به دنبال پاسخ به چستی، چرایی و چگونگی «الگوی تاریخ پژوهی مبتنی بر آیات و روایات و اصول کلامی امامیه» است.

**کلیدواژگان:** الگوی تاریخ پژوهی، قرآن، سنت، اصول کلامی امامیه، عقل، رمزگشایی منابع عامه.

### مقدمه

تاریخ صدر اسلام از لحاظ کلامی اهمیت بسزایی دارد. این اهمیت در سه محور: الف) باورسازی تاریخ به صورت مستقل، ب) استشهاد تاریخ بر باورهای برخاسته از آیات و روایات و ج) پاسخ‌گویی تاریخ به شبهات اعتقادی، بیشتر خودنمایی می‌کند. از این رو «الگوی تاریخ پژوهی مبتنی بر آیات و روایات و اصول کلامی امامیه» اهمیت شایانی دارد. برای ارائه این الگو، در مقاله پیش‌رو سه پرسش زیر در سه عنوان کلی پاسخ داده می‌شود:

۱. تاریخ پژوهی مبتنی بر آیات، روایات و اصول کلامی امامیه چیست؟
  ۲. چرا به تاریخ پژوهی مبتنی بر آیات، روایات و اصول کلامی امامیه نیاز است؟
  ۳. شیوه تاریخ پژوهی مبتنی بر آیات، روایات و اصول کلامی امامیه چگونه است؟
- چهارچوب نظری این مقاله گرداگرد پاسخ به این سه پرسش طراحی شده که عملاً سه فرضیه را مطرح می‌سازد:

**فرضیه اول:** تاریخ مبتنی بر این الگو بازگوکننده تاریخ درخور اعتماد و اتکایی است که بررسی آن گویای شواهدی بر باورهای کلامی شیعی است و مطالعه آن، استخراج مستندات باورهای کلامی امامیه را در پی دارد و تحلیلش مبین باورهاست. همچنین این تاریخ قطعی به خودی خود منبعی برای باورسازی به صورت مستقل خواهد بود؛

**فرضیه دوم:** شواهد پرشماری وجود دارد که تاریخ‌نگاری در منابع اولیه، تحت تأثیر باورهای کلامی و تعلقات سیاسی و قومی مورخان سنی مذهب بوده است. تأثیر و تأثرات و اختلاف در نقل گزارش‌های تاریخی، مستندی برای باورهای غلط می‌شود و یا باورهای غلط را ایجاد می‌کند. از سوی دیگر نقل نادرست گزارش تاریخی، شواهد موجود تاریخ بر باورهای کلامی را از بین می‌برد و سبب ایجاد شبهات کلامی با پوشش تاریخی می‌شود؛

**فرضیه سوم:** با گردآوری گزارش‌های تاریخی قرآن و سنت به عنوان متقن‌ترین و قطعی‌ترین تاریخ مکتوب و حیانی می‌توان به بخشی از تاریخ شیعی دست یافت. باورهای کلامی شیعه یکی از ملاک‌های تشخیص تاریخ سره از ناسره است و مطالعات تطبیقی میان منابع تاریخی و رمزگشایی از گفتمان غالب، ما را کمک می‌کند تا به بخش دیگری از تاریخ قطعی دست یابیم که اصالت تاریخی باور امامیه را از نخستین ادوار به اثبات رساند و مبین باورهای شیعی باشد.

### ۱. تبیین چستی الگوی تاریخ پژوهی شیعی

تاریخ و عقاید با یکدیگر تلاقی دارند. تحلیل یک حادثه تاریخی، هم از پیش فرض‌های عقیدتی (اعم از درست یا نادرست) تأثیر می‌پذیرد و هم می‌تواند اثر تضعیفی یا تثبیتی روی عقاید بگذارد. تاریخ صحیح می‌تواند شهادتی بر عقاید صحیح باشد و از سوی دیگر، تاریخ صحیح به خودی خود می‌تواند باورساز باشد. تاریخ مبتنی بر آیات و روایات به عنوان منبع اصیل و حیانی، بازگوکننده تاریخ درخور اعتماد و اتکایی است که بررسی آن گویای شواهدی بر باورهای کلامی شیعی است و مطالعه آن، استخراج مستندات باورهای کلامی امامیه را در پی دارد و تحلیلش مبین باورهاست.

همچنین این تاریخ قطعی به خودی خود منبعی برای باورسازی به صورت مستقل خواهد بود.

### ۱-۱. نقص‌های موجود در تاریخ‌پژوهی متداول

بر اساس نظریه «تحلیل گفتمان»<sup>۱</sup> شرایط اجتماعی، فرهنگ، باورها، موقعیت و... بر نگارش تاریخ تأثیر می‌گذارند. به دیگر سخن فرهنگ و باورها به هیچ وجه امری خنثا و بی‌طرف نیستند؛ زیرا قرار است منافع گروهی را به ضرر گروهی دیگر تأمین کنند (بهرامپور، ۱۳۷۹، مقدمه).

البته این حالت، طبیعت هر نقلی است که از رهگذر گذشته به آینده منتقل می‌شود. به عبارت دیگر حتی در فرض مراعات صدق نیز چنین خاصیتی یافت می‌گردد. از این رو می‌توان گفت نقل تاریخ از پالایه ذهن مورخان گذشته و بسیاری از گزارش‌های تاریخی با دیدگاه‌های مورخ در آمیخته است.

از آنجاکه مورخان عمدتاً از معتقدان به باور عامه هستند، عمده نگاره‌های تاریخی متأثر از باورهای کلامی عامه است. نکته مهم آن است که این تأثیرگذاری در نهایت سبب می‌شود تا تاریخ‌پژوهی مبتنی بر آن مستندی برای باورهای غلط شود و یا باورهای غلط را ایجاد کند. از سوی دیگر نقل نادرست گزارش تاریخی، شواهد موجود تاریخ بر باورهای کلامی را از بین می‌برد و سبب ایجاد شبهات کلامی با پوشش تاریخی می‌شود.

می‌دانیم که قدیمی‌ترین و مهم‌ترین منبع تاریخی متداول سیره ابن اسحاق است. اصل این کتاب به صورتی که خود ابن اسحاق تدوین کرده، امروزه در دسترس نیست، اما چند روایت کامل و ناقص از آن موجود است که برخی در تاریخ الامم و الملوک طبری و مفصل‌تر از همه در السیره النبویه ابن هشام آمده است (دایرةالمعارف اسلامی، مدخل «ابن اسحاق»). بررسی دقیق اختلاف محتواهایی که از نقل ابن اسحاق در سیره ابن هشام و دیگر کتب عامه آمده، عملاً اثبات‌کننده مدعای اختلاف در منقولات نگاره‌های متداول تاریخی است.

به عنوان مطالعه موردی، اثرگذاری باورهای کلامی ابن هشام بر تاریخ منقول او از ابن اسحاق، جداگانه و در بیش از هفتاد مورد بررسی شده است (روشن‌بین، ۱۳۹۲، ص ۵۲) که برای پرهیز از اطاله کلام، فقط یازده مورد آن در این مقاله ذکر می‌شود و در ادامه، اهمیت و اثرگذاری آن در باورهای ذهنی توضیح داده می‌شود.

گزارش‌های ابن هشام از ابن اسحاق با نقل دیگر مورخان عامه از ابن اسحاق اختلاف دارد. نکته

مهم آن است که این اختلاف‌ها، تفاوت جزئی و قابل اغماضی نیست. یازده مورد از هفتاد مورد، به شرح زیر است:

۱. عدم ذکر ایمان ابوطالب (خطیب بغدادی، بی تا، ص ۵)؛
  ۲. نسبت دادن اشتباه به پیامبر ﷺ (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۱۲۳)؛
  ۳. عدم ذکر انتصاب به خلافت در انذار عشیره اقربین (طبری، ۱۳۸۷: ج ۲، ص ۳۱۲۳۱)؛
  ۴. حذف و تحریف ماجرای غدیر (امینی، ۱۴۱۶، ج ۲)؛
  ۵. حذف نخستین نمازگزار (بلاذری، ۱۳۵۹، ج ۲، ص ۹۰)؛
  ۶. حذف نقش امیرالمؤمنین (علیه السلام) در بدر (همان، ص ۱۹۶)؛
  ۷. حذف نقش امیرالمؤمنین (علیه السلام) در احد (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ج ۱۴، ص ۲۵۰)؛
  ۸. حذف نام عثمان در طعن پیامبر ﷺ به او (سهیلی، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۲۳۵)؛
  ۹. تحریف نام ابوبکر به عنوان چشم‌زننده در حنین (ابن اثیر، ج ۴، ص ۳۲۲)؛
  ۱۰. حذف توطئه عقبه (ابن قتیبہ، ۱۹۶۰ م، ص ۳۴۳)؛
  ۱۱. تحریف روایت سدالابواب از حضرت امیر به ابوبکر (قندوزی، ۱۳۰۱: ج ۱، ص ۲۵۹).
- با توجه به اهمیت تاریخ صدر اسلام و اختلاف در نقل محتواهای تاریخی، به نظر می‌رسد مشکل مهمی پدید می‌آید که باید راهی برای برون‌رفت از آن یافت.

## ۲-۱. ارکان و مؤلفه‌های تاریخ‌پژوهی شیعی

مؤلفه‌های تاریخ‌پژوهی شیعی چهار رکن است که جهت عدم تطویل کلام در این بخش صرفاً نام آن معرفی و از توضیح هر یک خودداری شده و در ادامه هر یک به تفصیل بررسی می‌شود. رکن اول: قرآن کریم، رکن دوم: روایات شیعی، رکن سوم: اصول کلامی امامیه و رکن چهارم: منابع تاریخی شیعه و عامه است.

## ۲. چرایی نیازمندی به الگوی تاریخ‌پژوهی شیعی

از آنجاکه تاریخ صدر اسلام از لحاظ کلامی اهمیت بسزایی دارد، تاریخ‌پژوهی شیعی نیز دارای کارکردها و آثار فراوانی است که همین مسئله، اهمیت بررسی الگوی آن را صدچندان می‌کند. کارکرد تاریخ‌پژوهی شیعی را می‌توان در سه محور: ۱. باورسازی تاریخ به صورت مستقل، ۲. استشهاد تاریخ بر باورهای برخاسته از آیات و روایات و ۳. پاسخ‌گویی تاریخ به شبهات اعتقادی

بررسی کرد. به عنوان مطالعه موردی و تبیین آثار تاریخ‌پژوهی بر این سه محور، همان یازده اختلاف در سیره ابن‌هشام به کار گرفته می‌شود:

### ۱-۲. کارکرد و آثار تاریخ‌پژوهی شیعی در باورسازی

مدعا آن است که بررسی و تفحص در تاریخ نگارش یافته بر اساس «الگوی تاریخ‌پژوهی مبتنی بر آیات و روایات و اصول کلامی امامیه» می‌تواند باورسازی باشد. عملاً این چنین تاریخی خود را وارد منظومه منابع علم کلام می‌کند و گزاره‌های آن سبب باورسازی به صورت مستقل می‌شود.

هر یک از یازده مورد پیش گفته می‌تواند در کنار دیگر شواهد و مستندات تاریخی به صورت مستقل باورسازی باشد:

#### - باور اول: موحد بودن اجداد پیامبر ﷺ و امیرالمؤمنین ﷺ

اگر ایمان ابوطالب در منقولات به‌درستی گزارش شود، باور مؤمن و موحد بودن اجداد را رقم می‌زند و در عوض عدم نقل آن باور مشرک بودن اجداد را تقویت می‌کند.

#### - باور دوم: نصوص امامت

۱. نقل جریان انتصاب امیرالمؤمنین ﷺ در انداز عشیره اقربین جزو یکی از مهم‌ترین فرازهای تاریخی و مبین باور وجود نصوص امامت و خلافت است؛ چراکه عملاً آغاز دعوت علنی همراه با معرفی علنی خلیفه و جانشین پس از خود بود؛
۲. وجود جریان غدیر بیش از هر نقلی روشن است که چگونه بر امامت امیرالمؤمنین ﷺ دلالت دارد و حذف آن چگونه ضربه‌ای خواهد داشت.

#### - باور سوم: افضلیت امیرالمؤمنین ﷺ

۱. ذکر امیرالمؤمنین ﷺ به عنوان نخستین ایمان آورنده به پیامبر اکرم ﷺ بیان فضیلتی بی‌بدیل است که در طول تاریخ بارها حضرتش بر آن احتجاج کرده‌اند؛
۲. بیان نقش امیرالمؤمنین ﷺ در بدر یکی از شواهد دلاوری و جنگ‌آوری‌های علی بن ابی‌طالب ﷺ است؛
۳. نقش امیرالمؤمنین ﷺ در اُحد و حمایت‌های بی‌بدیشان از پیامبر ﷺ، آن هم در زمانی که

یکایک اصحاب ایشان را تنها گذاشتند و گریختند، بیانگر فضیلت ایشان است؛  
 ۴. جریان سداالبواب الا باب علی (علیه السلام) از جمله جریانات باورسازی است که به خوبی باور  
 فضیلت امیرالمؤمنین (علیه السلام) را پدید می آورد.

#### - باور چهارم: مطاعن خلفا

۱. در جریان ساخت مسجدالنبی عملاً رسول خدا (صلی الله علیه و آله) برای خلیفه سوم مطاعنی نقل می کنند که نقل آن در تاریخ، موجب ایجاد باور مفضولیت او می شود؛
۲. بیان نام ابوبکر به عنوان چشم زنده در حنین و اتکای او بر کثرت سپاهیان و عدم توکلش به خداوند، بیان کننده طعنی بر اوست؛
۳. توطئه عقبه، یکی از بارزترین و مهم ترین جریانات تاریخی است که گزارش آن در باور مطاعن خلفا بی بدیل است.

#### ۲-۲. کارکرد و آثار تاریخ پژوهی شیعی در استشهاد برای باورها

امروزه اصالت تاریخی یک باور امامتی در گرو این دانسته می شود که به لحاظ تاریخی بتوان نشان داد که آن آموزه از تعالیم مستقیم پیامبر و امامان (علیهم السلام) بوده و از همان ابتدا میان مسلمانان (شیعیان) شناخته شده و بلکه رایج بوده است. در تاریخ قطعی، می توان شواهدی را برای بسیاری از معتقدات امامیه نشان داد و به آنها استشهاد کرد و به این وسیله اصالت تاریخی یک باور امامتی را به اثبات رساند؛ اما باید توجه کرد که تاریخی سراسر شاهد است که قطعی باشد و با انگیزه های مختلف در طول تاریخ دستخوش تغییر و تحریف قرار نگرفته باشد. بر اساس مطالعه موردی و همان یازده نکته اشاره شده، می توان اثرگذاری آنها را در شواهد زیر را بیان کرد:

شاهد اول: امامیه بر این باورند که اجداد طاهرین رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و امیرالمؤمنین (علیه السلام) همه مؤمن و موحد بودند و نقل صحیح این داستان و اشعار (مورد اول از یازده مورد)، شاهدی بر این باور است که با حذف شدن آن از تاریخ، عملاً شواهد این باور از بین رفته است؛  
 شواهد دوم و سوم: بسیاری از نقل های تاریخی عملاً شاهدی بر نصوص امامت هستند؛ مانند جریان انتصاب امیرالمؤمنین (علیه السلام) در انذار عشیره اقریبین و بحث غدیر که حذف هر دو مورد عملاً حذف این شواهد است.

شواهد چهارم، پنجم، ششم و هفتم: حذف فضیلت امیرالمؤمنین (علیه السلام) به عنوان جانشین رسول

خدا ﷺ در جریان نخستین ایمان‌آورنده به رسول خدا ﷺ، نقش ایشان در بدر و احد به عنوان مدافع اسلام و رسول و تحریف جریان سدالابواب از شواهد این مورد است. شواهد هشتم، نهم و دهم: مفضولیت و مطاعن خلفای یکی دیگر از باورهای امامیه است. ذکر نام عثمان در جریان طعن پیامبر ﷺ در ساخت مسجدالنبی، بیان نام ابوبکر به عنوان چشم‌زننده در حنین و انکایش به کثرت سپاه به جای خداوند و نیز توطئه عقبه، از جمله شواهد مبنی بر مفضولیت آنان است که همگی حذف شده‌اند.

### ۲-۳. کارکرد و آثار تاریخ‌پژوهی شیعی در پاسخ‌گویی به شبهات اعتقادی

بسیاری از شبهات امروزی از مدخل مباحث تاریخی وارد می‌شوند و با بیان تاریخی ناصحیح، عملاً باور اعتقادی هدف گرفته می‌شود. به دیگر سخن، بسیاری از شبهات، اولاً به رویارویی با هیچ باور دینی‌ای نمی‌پردازند و از آنها صرفاً در جهات اخلاقی و رفتاری بهره جسته می‌شود؛ ولی نکته‌سنجی و ریزبینی در آنها نشان می‌دهد که در عمل، پایه و ریشه‌ای از عقاید دینی را نشانه رفته‌اند. از این روش‌شناسایی تاریخ‌قطعی و صحیح، به یک متکلم کمک می‌کند تا بدون درگیر شدن در فرایند پاسخ‌گویی به شبهه، اصل جریان تاریخی نقل‌شده از سوی مستشکل را انکار کند و در دام او گرفتار نیاید.

بر اساس همان یازده مورد اشاره‌شده، ممکن است شبهات زیر به عقاید وارد شود:

شبهه اول: نسبت دادن خطا و اشتباه به پیامبر اکرم ﷺ ناقض باور عصمت ایشان است و نقل آن به عنوان شاهد، پدیدآورنده شبهه عصمت است؛

شبهه دوم: شبهه‌ای که عامه و روشن‌فکران بسیار بر آن تأکید می‌کنند، نبودن نصوص امامت در تاریخ رسول خدا ﷺ است. حذف معرفی امیرالمؤمنین (علیه السلام) در انذار عشیره اقربین و نقل اشتباه غدیر، مستمسک بسیار خوبی برای منکران امامت خواهد بود؛

شبهه سوم: پایین آوردن شأن منحصر به فرد حضرت امیر (علیه السلام) کمک شایانی به شبهه تنزل مقام امامت به مقام علمای ابرار می‌کند. برای این کار حذف فضایل ایشان و نسبت دادن آنها به دیگر صحابه، به‌ویژه خلفای یکی دیگر از روش‌های تاریخی برای اثبات مدعاست. ذکر نکردن نام حضرت امیر (علیه السلام) به عنوان نخستین ایمان‌آورنده به پیامبر ﷺ، حذف نقش ایشان در بدر و احد و تحریف جریان سدالابواب، نمونه‌هایی از این روش تاریخی ایجاد شبهه است.

شبهه چهارم: هم‌رتبه بودن مقام خلفا با حضرت امیر (علیه السلام) و حتی در برخی موارد افضلیت آنان، از شبهاتی است که با پاک‌سازی تاریخ از مطاعن خلفا و فضیلت‌تراشی برای آنان، باورپذیر شده



است. بنابراین حذف نام عثمان از جریان طعن، تحریف نام ابوبکر به عنوان چشم‌زننده در حنین، حذف توطئه عقبه، و جعل سدالابواب برای ابوبکر، نمونه‌هایی از تاریخ‌سازی است. اهمیت تاریخ صدر اسلام و کارکردها و آثار تاریخ‌پژوهی شیعی چرایی نیازمندی به «الگوی تاریخ‌پژوهی، مبتنی بر آیات و روایات و اصول کلامی امامیه» را روشن می‌سازد.

### ۳. چگونگی الگوی تاریخ‌پژوهی شیعی

ارکان و مؤلفه‌های مؤثر در الگوی تاریخ‌پژوهی امامیه، نخست قرآن کریم، دوم روایات شیعی، سوم سیره و منابع تاریخی شیعی و عامه و چهارم اصول کلامی امامیه است. در سیر محتوایی این مقاله، ابتدا هر رکن معرفی، و سپس شیوه بهره‌گیری از آن توضیح داده می‌شود.

#### ۱-۳. قرآن کریم

قرآن نقل معتبر، متقن و درخور اعتمادی است که می‌توان به وسیله آن صحیح را از سقیم تمیز داد. حجیت قرآن در هیچ زمینه‌ای خدشه‌پذیر نیست و از موارد مسلم و ضروری بین تمام فرق اسلامی، حجیت قرآن است. حتی به تعبیر بعضی بزرگان تواتر قرآن امری قطعی است و نزد مسلمانان هیچ شک و شبهه‌ای در آن راه ندارد (خویی، ۱۴۳۰، ص ۱۵۲). از این رو قرآن معتبرترین منبع اسلامی به شمار می‌آید.

پس از روشن شدن تأثیرگذاری باورهای کلامی نگارندگان بر نگارش تاریخ که نتیجه آن عدم اعتبار منابع مرسوم بدون بررسی علمی است، مدعا آن است که برای فهم صحیح تاریخ پیامبر اکرم ﷺ قرآن کریم منبع قابل اتکا و اعتماد معرفی می‌شود. نکته دیگر آنکه آنچه از نقلیات در دست است، اگر با قرآن مطابقت داشته باشد و با روح بیانات و حقایق موجود در کتاب عزیز مباین و منافی باشد، پذیرفتنی است؛ وگرنه از همان روشی پیروی می‌کنیم که در روایات آمده است: «كُلُّ مَا خَالَفَ كِتَابَ اللَّهِ وَالسُّنَّةَ فَهُوَ يَرُدُّ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ وَالسُّنَّةِ» (عاملی، ۱۴۲۵، ج ۲۲، ص ۷۰).

#### ۱-۱-۳. بحث حجیت ظواهر قرآن و نظریه مختار در الگو

نسبت به حجیت ظواهر دو نظر کلی وجود دارد: برخی ظواهر قرآن را حجت می‌دانند و برخی دیگر در حجیت ظواهر خدشه وارد می‌کنند. نظریه مختار در الگوی تاریخ‌پژوهی، «حجیت ظواهر قرآن» است. اساس الگوی قرآنی تاریخ‌پژوهی، اخذ ظواهر قرآن و به‌کارگیری ظهورات مختلف

کتاب آسمانی است. از آنجاکه هدف مقاله تبیین الگوی تاریخ‌پژوهی کلامی شیعی است، از نظریه حجیت ظواهر صرفاً استفاده می‌شود و اثبات این مطلب و رد ادله منکران، خارج از بحث است (در این باره، رجوع شود به واپسین آرای اصولی، به‌ویژه خوبی، بی تا).

اما مراد از حجیت ظواهر در مقاله و الگوی پیش رو، مطلب زیر است:

بیشتر آیات قرآن بدون تفحص از کلام مبین، فهمیده می‌شوند، ولی این فهم لزوماً حجیت ندارد. قرآن همراه ثقل دیگر خود یعنی عترت، دارای حجیت است. خود قرآن پیامبر ﷺ را به عنوان «مبین قرآن» معرفی فرموده است و عترت نیز توسط پیامبر ﷺ در این شأن معرفی شده‌اند. قرآن متشکل از نصوص، ظواهر، مجملات و مبهمات است:

الف) نصوص: نصوص حجیت ذاتی دارند؛

ب) ظواهر: این مطالب، پیش از تفحص از قرینه صارفه از کلام مبین معصوم، اقتضای حجیت ندارند و کلام مبین به عنوان قرینه منفصله عمل می‌کند؛ چنان‌که آیات دیگر نیز باید به عنوان قرینه متصله یا منفصله در نظر گرفته شوند. البته باید توجه شود که نصوص و ظواهری در قرآن هستند که حجیتشان ذاتی است (فطری یا عقلی یا اخلاقی) که به طور کلی از بحث خارج‌اند.<sup>۱</sup>

ج) مجملات: پیش از تفحص از قرینه معینه، اقتضای حجیت ندارند؛

د) مبهمات: بدون کلام مبین، اقتضای حجیت ندارند.

با مراجعه به عترت متوجه می‌شویم که «تعویل بر منفصل» در کلام الهی صورت گرفته، ولی «دیدن تعویل بر منفصل» وجود ندارد. لذا حجیت ظواهر «بعد الفحص والیأس» برقرار است و سیره اصحاب هم بر همین حجیت است و ردعی از سوی شارع نرسیده است (غروی اصفهانی، ۱۹۷۴، ص ۱۳۰؛ میانجی، ۱۳۶۳، ص ۱۶۶ و ۱۶۷).

### ۲-۱-۳. دلالت قرآن بر حقایق خارجی

ممکن است این پرسش مطرح شود که اگر گزارش‌های تاریخی و کتاب‌های سیره به دلایل گفته‌شده فاقد اعتبارند، قرآن نیز ظنی‌الدلاله است. در پاسخ باید گفت:

اولاً: نخستین حقیقتی که با رجوع به سیره اهل بیت علیهم‌السلام درباره قرآن فهمیده می‌شود، این است که

۱. روایات نمی‌توانند ظاهر این آیات را رد کنند؛ چراکه محتوای آنها عقلی است و عقل حجت خدای سبحان بوده، نباید بین دو حجت خدا (عقل و نقل) اختلاف باشد.

ایشان در موارد فراوانی به معنای لغوی قرآن استناد کرده‌اند (صدوق، ۱۳۷۶ ش، ص ۱۱۶) و قرآن را به معنایی که در زبان عربی «کلام» نامیده می‌شود، «کلام» انگاشته‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۲، ص ۱۰۰). مراد از «کلام» الفاظی است که برای رساندن مقصودی به مخاطب القا می‌شود. آنچه در زبان عربی کلام نامیده می‌شود، «ما یُتکلم به لفه‌المقاصد» است. این همان حقیقتی است که امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند: «أللفاظ قوالب المعانی» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ ق، ص ۱۲۸).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و خلفای پس از ایشان در گفتار و عمل، قرآن کریم را از جهت حاکی و کاشف بودن از مراد و مقصود الهی، «کلام» نامیده‌اند و آن را مانند کلام بشر، فانی در مرادات متکلم دانسته‌اند. به عبارت دیگر کلام الله نیز چون کلام بشر در استعمال لفظ، توجه استقلالی به خود لفظ ندارد و صرفاً به معنای آن، یعنی همان حقیقت خارجی توجه دارد (غروی اصفهانی، ۱۹۷۴، ص ۹). این مطلب کاملاً وجدانی است؛ چراکه هیچ‌یک از ما وقتی سخن می‌گوییم به الفاظی که به کار می‌بریم، توجهی مستقل از معانی نداریم؛

ثانیاً فارغ از اینکه اهل بیت علیهم السلام به معنای لغوی‌ای که عملاً بر موضوع خارجیه دلالت می‌کند رسمیت می‌دهند، ذیل شمار فراوانی از آیات بیاناتی دارند که عملاً آیه را تفسیر می‌کند و دلالت آن را شرح و بسط می‌دهد. بنابراین رجوع به مبین قرآن در بسیاری از موارد ما را به دلالت‌های آن رهنمون می‌کند؛

ثالثاً از سوی دیگر ما هیچ‌گاه رجوع به گزارش‌های تاریخی در عرض و نه در طول را همراه با بررسی و تحلیل نفی نمی‌کنیم؛ چرا که این کار برای کمک در کشف معانی و مفاهیم تاریخی برخی موارد قرآن کارا خواهد بود.

### ۳-۱-۳. شیوه بررسی الفاظ و عبارات قرآن

برای این کار باید مراحل زیر انجام شود:

۱. باید سراغ تک تک کلمات رفت و هر یک از الفاظ آیه را با دقت و موشکافی بررسی کرد تا معنای حقیقی آن از عرف اهل لغت کشف شود. توجه به کلمات مشترک، تشخیص الفاظ مترادف، تعیین کلماتی که ظاهراً هم‌معنا هستند، ولی با ظرافتی با یکدیگر تفاوت دارند، بسیار ضروری است؛

۲. بررسی کل جمله به همراه قیود<sup>۱</sup> موجود در آن مهم است. آنچه از قیود و ترکیبات در آیات

۱. قید به معنای هر چیزی است که مانع اطلاق حکم شود. شروط و صفات و... همگی قید هستند.

قرآنی مشاهده می‌شود، طبق قاعده احترازیت، بر خصوصیتی دلالت می‌کند که اگر آن قید

نمی‌بود، این ویژگی فهمیده نمی‌شد؛

۳. پس از بررسی دو مرحله قبل، آنچه از آیات برای ما حاصل می‌شود، ظواهری است که همان‌طور

که در بخش دوم توضیح داده شد، حجت و قابل استناد است و تفسیر به رأی نیست.

#### ۴-۱-۳. بررسی اقوال، تفاسیر و شأن نزول

مشکل بزرگ علما، اعم از شیعه و سنی، فارغ از اختلاف نظرهایی که در بحث تفسیری وجود دارد، آن است که هر کدام آیات قرآن را متناسب با عقاید خود تفسیر می‌کنند. به عبارت دیگر، چه شیعه و چه سنی، مطالب قرآنی و روایی را در فضای تحلیل گفتمانی خود فهم و برداشت می‌کنند که البته گریزی از این امر نیست. آنان تحت تأثیر پیش فرض‌ها و باورهای از قبل پذیرفته شده، می‌کوشند به باورهای کلامی دست یابند و سپس برای تقویت باورهای کلامی‌شان از تاریخ نیز کمک بگیرند. بنابراین اگر پژوهشگر تاریخ نیز به تفسیر و برداشت‌های تفسیری رجوع کند، دچار همان مشکلی می‌شود که در صدد حل کردنش بودیم. بنابراین با عنایت به برداشت‌های تفسیری متفاوت، مسئله پژوهش همچنان حل نشده باقی می‌ماند.

بنابراین ارجاع به قرآن به معنای ارجاع به برداشت‌های تفسیری مفسران با هر نوع سلیقه

تفسیری‌ای نیست، بلکه مراد رجوع به روایات تفسیری معصومین علیهم‌السلام ذیل آیات است.

در احادیث متعددی آمده است که فهم قرآن به عنوان کتابی حاوی علم و اخبار، نیازمند رجوع

به پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت معصومش علیهم‌السلام است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۵۹ و ۶۰). حدیث تقلین که مورد پذیرش فریقین است، راه نجات از گمراهی را تمسک به قرآن و عترت معرفی می‌کند و این دورا از هم جدا ناپذیر می‌داند و اعتماد به اهل بیت علیهم‌السلام را راه مطمئن رسیدن به حقایق قرآن اعلام می‌کند (مفید، ۱۴۰۳، ص ۳۴۹) در احادیث بسیاری تصریح شده که هرکس چنین نکند و هدایت را از جای دیگری بخواهد، گمراه خواهد شد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۹۰-۹۵).

فارغ از بحث مبنایی بیان شده، بر مبنای شیوه‌های متداول، در برخورد آیات با اقوال و شأن

نزول، باید توجه داشت که آیه با اقوال نقل شده باید تناسب داشته باشد و نسبت به جامعه آن روز نباید امری نامعقول و یا غیر متعارف باشد. از جملات امیرالمؤمنین علیه‌السلام در نهج البلاغه استنباط می‌شود که یک مورخ و تحلیلگر تاریخ، باید خود را در زمانه مورد بررسی فرض کند و آن‌گاه نسبت به آنچه نقل شده، داوری کند (نامه ۳۱). با چنین کاری به راحتی می‌تواند تشخیص دهد که

گزارش‌ها و مواردی که با اوضاع و احوال آن زمان سازگاری ندارند و با وقایع خارجی ناهمگون هستند و اصطلاحاً مضطرب به نظر می‌آیند، از تأثیرگذاری باور نگارنده حکایت دارند. اگر به مواردی که مفسران بزرگ اهل تسنن ذیل آیات ذکر کرده‌اند و مورخان آنها بدانها پرداخته‌اند مراجعه کنیم، خواهیم دید که بسیاری از موارد با احتمالات عقلایی و متعارف سازگار نیستند و ناهمگون‌اند.

باید توجه داشت که در استناد به آیات قرآن در پذیرش یارد اخبار و حوادث تاریخی از شیوه‌های مختلف بهره گرفته می‌شود: ۱. استناد به نص آیات، ۲. استناد به ظاهر آیات، ۳. استناد به مضمون و مفهوم آیات، ۴. استناد به سیاق آیات، ۵. استناد به شأن نزول آیات.

### ۵-۱-۳. بیان مواردی از تاریخ مبتنی بر رکن اول الگو: قرآن

بسیاری از وقایع تاریخی به تفصیل در قرآن ذکر شده‌اند. برخی عناوینی که مستقیماً از قرآن قابل استخراج هستند، بدین شرح‌اند:

۱. اوضاع فرهنگی اجتماعی عربستان هنگام بعثت پیامبر ﷺ (انعام: ۱۵۱؛ تکویر: ۸-۹)؛
۲. عقاید و تشریح احکام، مانند تقیه (نحل: ۱۰۶)، تشریح زکات و روزه (اعراف: ۱۵۶؛ مؤمنون: ۴؛ نحل: ۳؛ لقمان: ۴، فصلت: ۷؛ انبیاء: ۷۳)، جهاد (انفال: ۶۵ و ۶۶)؛
۳. موضوعات مرتبط با شخص رسول خدا، ایمان پدران حضرت (بقره: ۱۲۸؛ انعام: ۸۳-۹۰)، نبوت و ایمان حضرت قبل از بعثت (مریم: ۳۰ و ۱۲)،<sup>۲</sup> بشارت یهود و نصارا به ظهور حضرت (اعراف: ۱۵۷)؛
۴. بعثت و ظهور اسلام: رسالت و چگونگی نزول قرآن (قدر: ۱؛ بقره: ۱۸۵؛ فرقان: ۳۲؛ اسراء: ۱۰۶؛ مجادله: ۱)، آغاز وحی (علق: ۱ و ۲)، مراحل دعوت (شعراء: ۲۱۴)، اهداف بعثت (جمعه: ۲)؛
۵. اسراء و معراج (اسراء: ۱؛ نجم: ۶-۱۲؛ تکویر: ۲۳)؛
۶. داستان غرانیق (حج: ۵۲ و ۵۳)؛

۱. در این آیه دعای حضرت ابراهیم، یکتاپرستی ذریه‌اش می‌باشد که پدران پیامبر در امتداد آن قرار دارند.  
 ۲. این آیات به صراحت ایمان حضرت عیسی و یحیی علیهما السلام را پیش از بعثت نشان می‌دهد. با بسط کلامی این موضوع و رجوع به روایات ذیل آن، ایمان پیامبر پیش از بعثت را نیز می‌توان به این آیات و روایاتی چون «کنت نبیا، اذا کان الادم بین الماء والطين» مستند ساخت.

۷. شق القمر (قمر: ۱)؛
۸. موضوعات مرتبط با یهود مدینه، مانند رجم یهودیان (مانده: ۴۴ ۴۱)، پیمان شکنی یهود (بقره: ۹۶)؛
۹. ضرورت و شیوه هجرت و داستان غار (توبه: ۴۰)؛
۱۰. پیروزی رومیان بر ایرانیان (روم، آیات ابتدایی)؛
۱۱. وقایع مربوط به نفاق مسلمانان در مکه و مدینه و آزار و اذیت رسول خداوند ﷺ توسط آنان (نصر، آیات ۱ الی ۳).<sup>۱</sup>

### ۲-۳. روایات شیعی

با توجه به تاریخ عمومی حدیث و بازخوانی منابع عامه و خاصه، کاملاً روشن است که تاریخ حدیث شیعه به برکت نقش ائمه • در احیای دین، از آفاتی که حدیث اهل تسنن داشته مصون مانده است؛ مانند: حدیث سوزی‌ها، ممنوعیت نقل حدیث، جعل احادیث، رواج اسرائیلیات و داستان‌سرایی و... احادیث شیعه بر خلاف اهل تسنن، منبع و حیاتی دارد و باور منعکس شده در آن، باور و حیاتی است. همچنین مجامع روایی شیعه که از گذر تاریخ و از لسان اهل بیت علیهم‌السلام به دست ما رسیده‌اند، از بوته آزمایش و نقد بسیار علمای رجال و فقه و کلام گذر کرده‌اند و قابلیت اتکای به آنها، با مجامع روایی عامه قابل قیاس نیست (عاملی، ۱۴۲۸، ج ۱). بنابراین تاریخ منقول از روایات شیعی، به عنوان دومین منبع تاریخ قابل اتکا و اعتماد است.

از آنجا که ائمه شیعه علیهم‌السلام از عصمت و علم غیب برخوردارند، اخبارشان از گذشته به واقع اصابت می‌کند و خطایی در آنها راه ندارد. همچنین از آنجا که یکی از شئون امامت، هدایت و رهبری است، بنابراین تاریخی که ایشان گزارش کرده‌اند، حتماً در بردارنده نکته‌ای هدایتی است. از سوی دیگر، این تاریخ به سبب اتصال به علم غیب الهی، متقن و یقین‌آور است و در حوزه منابع قطعی کلامی قرار می‌گیرد و سطر سطرش ارزش استخراج باورهای کلامی دارد. در نظر گرفتن این مطالب، نکته اساسی دلیل رجوع به این منبع را در الگوی تاریخ‌پژوهی کلامی امامیه روشن می‌سازد.

### ۱-۲-۳. دلالت و سند روایات

منظور از یقین در ناحیه دلالت، نص بودن متن در یک معناست؛ به گونه‌ای که احتمال دیگر منتفی

۱. و دیگر آیات: بقره: ۸-۲۰، ۷۵-۷۷، ۱۴۴، ۱۹۰-۱۹۳، ۲۰۴-۲۰۷، ۲۱۴، ۲۱۷، ۲۳۱ و ۲۳۲؛ آل عمران: ۷، ۸، ۲۹، ۷۳، ۸۶-۹۰، ۱۱۸-۱۲۰، ۱۴۴، ۱۴۹-۱۵۴، ۱۶۶-۱۶۸، ۱۷۹.

باشد؛ اما به این مسئله نیز باید توجه کرد که ممکن است قرآنی موجود باشد که با ضمیمه شدن به متن، آن را از مرحله ظهور به مرتبه نص منتقل سازد. از جمله این قرائن، تکرار ظاهر است. وقتی وحی و معصوم بارها سخنی را تکرار می‌کنند و بر آن تأکید می‌ورزند، این سخنان گرچه هر یک به تنهایی در رتبه ظهورند، اما در نگاه کلی و مجموعی، احتمال خلاف را برطرف می‌سازند و به درجه نص می‌رسند (انصاری، ۱۳۷۲، ص ۱۷۰).

مسئله قرائن از مهم‌ترین مسائل اصول استنباط کلام و به تبع آن مباحث تاریخی است و یکی از وجوه تمایز آن با علم فقه به شمار می‌آید. اهمیت این مسئله آن است که ارتباط احکام عملی در مقایسه با ارتباط عقاید، بسیار ناچیز است (همان، ص ۵۲). استنباط یک حکم عملی، جز در مواردی اندک، کمکی به فهم حکم دیگر نمی‌کند؛ درحالی که مسائل اعتقادی و تاریخی آن چنان در هم تنیده‌اند که فهم یک گزاره غالباً به فهم دیگر مسائل یاری می‌رساند.

بنابراین در تحقیقات کلامی و تاریخی باید شیوه «کل‌نگری» را به کار بست و از طریق آن در هر مسئله، از مسائل دیگر یاری جست و قرائن صحت احادیث آحاد در مسئله‌ای خاص را از مجموعه اعتقادات و احادیث اعتقادی و تاریخی باز یافت (همان، ص ۵۴).

همچنین باید دانست که در فقه به دلیل تفحص و بررسی فقها در همه احادیث و جمع‌آوری آنها در جوامع حدیثی، اگر در حدیثی به چند حکم اشاره شده باشد، یا احادیث یک باب، در استنباط ابواب دیگر مؤثر باشند، این نکات در جوامع حدیثی و فقهی بیان شده است و بدین سان، فقیه در بررسی مسئله‌ای خاص با مراجعه به همان باب خاص، معمولاً دلایل موجود در آن مسئله را می‌یابد؛ اما در کلام و تاریخ وضع به‌گونه‌ای دیگر است؛ زیرا این متون در ابعاد مختلف مورد بحث و بررسی اجتهادی قرار نگرفته‌اند و احادیث مربوط به این مسائل به طور تخصصی و تفصیلی گردآوری و سامان نیافته‌اند. نتیجه‌ای که از این بخش از سخن می‌توان گرفت آن است که اگر بتوان در فقه عملی، «تجزی در اجتهاد» را پذیرفت، در کلام و فروع اعتقادی و توصیفی، دست‌کم در شرایط کنونی، نمی‌توان قائل به تجزی شد. بنابراین پیش از استناد یک گزاره کلامی به دین، بایسته است که دست‌کم به دیدگاهی کلی و روشن درباره عقاید دینی دست یابیم (برنجکار، ۱۳۸۹، مقاله ۹).

گاه گفته می‌شود که روایات اهل بیت<sup>ع</sup> به شهادت علم رجال، جز در روایات متواتره و مستفیضه، ظنی السند هستند. برای بررسی این مدعا باید توجه کرد که مراد از یقین در ناحیه سند، این است که صدور سخن از خدا یا معصوم<sup>علیه السلام</sup> قطعی است. دلیل چنین قطعی، یا تواتر لفظی متون، یا تواتر معنوی و یا وجود قرائن قطعی است.

باید بدانیم که بحث «حجیت خبر واحد» چندانکه در مباحث فقه عملی جایگاه دارد، در اینجا حیاتی نیست؛ زیرا با توجه به پیوند بین مباحث در علم کلام و مباحث کلامی تاریخ و آنچه در بحث طبقه‌بندی متون وجود دارد (برنجکار، ۱۳۹۱، ص ۲۱)، در مجموع می‌توان گفت که در غالب موارد درباره حجیت روایات می‌توانیم به یقین برسیم؛ یعنی اگر «کل‌نگری» را اصل قرار دهیم، یک مبحث اگرچه ممکن است فقط یک یا چند روایت داشته باشد، اما می‌توان از لوازم و آثار روایات در مباحث دیگر برای آن شاهد و دلیل اقامه کرد و در نتیجه به خبر واحد محفوف به قرائن متعدد دست یافت که موجب حصول قطع به صدور آن خواهد شد؛ چراکه قطعیت یک خبر واحد تنها با تواتر آن ثابت نمی‌شود، بلکه می‌توان با قرائن متعدد به محتوای یک خبر واحد یقین یافت؛ یعنی همان‌گونه که وجود حدیث در کتب معتبر می‌تواند قرینه بر اعتبار باشد، وجود تأیید یا دلیل از ابواب دیگر نیز می‌تواند قرینه باشد. هر چند حجیت خبر واحد مشروط به شرایطی است، اما سخن در آن است که بدون این حجیت نیز در بسیاری موارد می‌توان به دیدگاه دینی رسید.

فارغ از اینها، با پذیرفتن آسیب‌هایی که به ضعف سندی در برخی از کتب تاریخ می‌انجامند، می‌توان راهی را برای برون‌رفت از این آسیب یافت که خلاصه آن بدین شرح است:<sup>۱</sup>

الف) گردآوری همه اسناد مشابه یا دست‌کم حلقه‌های مشابه با حلقه‌های مشکل دارد. اسناد مشابه، زمینه را برای کاربرد قواعد علم رجال و درایه، به‌ویژه طبقات الرجال فراهم می‌آورند. از این راه می‌توان حلقه‌های مفقود در سند را پیدا کرد و با پدید آمدن اطمینان عرفی از سند، تردید درباره محتوای سند را برطرف ساخت؛

ب) یافتن طریقی دیگر برای حدیث یا در همان کتاب و یا در دیگر کتب روایی که صدور روایت از معصوم را اثبات می‌کند: گفتنی است که در این روش، عینیت در الفاظ حدیث لحاظ نمی‌شود، بلکه از احادیث هم‌محتوا نیز می‌توان بهره برد؛

ج) راه‌حل فقه الحدیثی، که در آن با بررسی متن و به دست آوردن اطمینان عرفی و عقلایی از مراد نهایی، به سنجش آن با قرآن و سنت و دیگر موازین مقبول پرداخته می‌شود. یافتن احادیث فراوان و هم‌مضمون، گونه‌ای تعاضد مضمونی و شهرت روایی پدید می‌آورد و آسیب سندی با تقویت مضمونی حدیث جبران می‌شود.

۱. روش برون‌رفت از آسیب سندی، نتیجه دو رساله ارزشمند معصومه سلیمی و مرضیه تاکی با عنوان بن‌مایه‌های قرآنی بصائر الدرجات به راهنمایی سیدعلیرضا حسینی است. بنابراین در این بخش به تفصیل توضیح روش و اثبات آن پرداخته نمی‌شود.



## ۲-۲-۳. شیوه حل تعارض بین ظاهر آیات با روایات<sup>۱</sup>

همان‌طور که گفته شد، حجیت ظواهر کتاب پس از مراجعه به اخبار و تفحص از قرائن منفصل کتاب به دست می‌آید (بعد الیأس بعد الفحص). در رجوع به قرائن منفصل، گاهی در نگاه ابتدایی بین ظاهر قرآن و روایات تعارض دیده می‌شود. در این موارد باید به شیوه زیر عمل کرد:

۱. اگر روایت، روایتی معتبر نباشد و اصل حجیتش خدشه‌پذیر باشد، در این حالت قابلیت

معارضه با ظاهر قرآنی را ندارد؛<sup>۲</sup>

۲. اگر روایت، روایت معتبری باشد:

الف) گاه روایت در صدد بیان مورد و مصداق آیه است و مانع از اطلاق آیه در دیگر موارد

نیست. در این حالت مخصص و مقید ظاهر نیستند و هیچ‌گونه تعارضی وجود ندارد.

آیه به اطلاق خود باقی است و ظاهر آن درباره تاریخی خودش مورد استناد است؛

روایت هم به اعتبار خود باقی می‌ماند؛<sup>۳</sup>

ب) گاه روایت مراد آیه را بیان می‌کند، ولی به نظر می‌رسد که مراد ظاهری آیه نیست و

تأویل و نقل باطن قرآنی است که در این صورت نیز تنافی وجود ندارد. به عبارت

دیگر، این روایات در مقام تأویل آیه‌اند و اساساً هیچ‌گونه تعارضی با ظاهر ندارند و

مانع از انعقاد ظهور نمی‌شوند؛

ج) گاه روایت مراد آیه را بیان می‌کند و احتمال دیگر را نیز نفی می‌کند و در صدد توضیح

ظاهر آیه است. بر فرض وجود این صورت در مباحث تاریخی، در این حالت روایت

و آیه باید از دو جنبه بررسی شوند:

اولاً مقدار دلالت:

- اگر قرآن نص باشد و یا ظهور قوی‌تری نسبت به روایت داشته باشد، به قرآن تمسک

کرده، آن را مبنا قرار می‌دهیم و درباره روایت سخنی نمی‌گوییم و توضیح آن را به امام

۱. برای بررسی تفصیلی و نمونه‌ها، ر.ک: مصباح الأصول، منتقى الأصول و بحوث فی علم الاصول.

۲. از نظر ما روایات و منقولاتی که به معصوم منتهی نشود و از صحابه رسیده باشد، داخل در این قسمت است و معتبر نیست؛ ولی اگر کسی این منقولات را معتبر بداند، در این صورت باید در مراحل بعد بررسی قرار گیرد.

۳. پرسش: با توجه به اینکه شأن نزول آیه در مورد گروه خاصی است، آیا می‌شود از آیه در مورد دیگر استفاده کرد و به ظهور آن استناد کرد؟ مثلاً از آیه در باب مطهریت و پاک‌کنندگی آب استفاده کرد؟ پاسخ: ورود یک آیه در مورد خاص سبب نمی‌شود که آیه اختصاص به موردی پیدا کند و در جای دیگر استفاده نشود.

معصوم واگذار و فعلاً از کنارش عبور می‌کنیم؛

- اما اگر قرآن ظهور قوی نداشت و آنچه از ظاهر به دست آمده بود، بر پایه قرآنی بود که نزد عقلا جز احتمال و یا ظهور ضعیف چیزی به دست نمی‌آمد، در این صورت ظاهر قوی‌تر که در روایت موجود است مقدم می‌شود (مثلاً اگر ظاهر قرآنی از وحدت سیاق حاصل آمده باشد)؛<sup>۱</sup>

اما اگر مقدار دلالت هر دو یکی بود، تقسیم‌بندی زیر مطرح می‌شود:

ثانیاً عموم و خصوص:

۱. اگر نسبت به نحو عموم و خصوص مطلق باشد، به مقتضای جمع عرفی مخصص و

مقید مقدم خواهد بود؛

۲. اگر نسبت تباین باشد و هیچ‌گونه جمع عرفی ممکن نباشد، اساساً این نوع روایت قابلیت قرینیت را ندارد و عرفاً قرینه نخواهد بود و طبق احادیث فراوانی که برخی از آن گذشت، مخالف کتاب طرح می‌شود و از حجیت ساقط می‌گردد و هیچ‌گونه اعتباری ندارد؛

۳. اگر نسبت عموم و خصوص من وجه باشد، در ماده اجتماع به مقتضای تباین بین ظاهر قرآن و آن روایت ظاهر کتاب تقدم می‌یابد.

## ۲-۱-۳. شیوه جست‌وجو و دستیابی به روایات تاریخی

امروزه با الکترونیکی شدن کتب و امکان جست‌وجو میان صدها هزار کتاب، بسیار سهل شده است. با جست‌وجوی واژه‌ای گاه مطالبی میان انبوه کتب استخراج می‌شود که با مطالعه موضوعی دست‌یافتنی نیست؛ چراکه گاهی یک روایت از جنبه‌ای تاریخی و از جنبه‌ای فقهی، اخلاقی، اعتقادی، تفسیری است:

۱. **روایات تفسیری:** ذیل بسیاری از آیات، روایاتی در توضیح، تفسیر، تبیین،

تأویل و شأن نزول آیات وجود دارد که عملاً گزارش‌های معتبر و قطعی

تاریخی‌اند که منشأ و حیانی دارند و علاوه بر روشن ساختن جریان‌های

واقع‌شده در تاریخ، پرده از بسیاری از ظرافت‌های قرآنی نیز برمی‌دارند. گاه

آیه‌ای مستقیماً در جریانی نازل نشده و یا اصولاً در دسته آیات تاریخی به

۱. روایاتی که از ائمه • در تخصیص و تمیید ظواهر کتاب وارد شده‌اند، همگی اقوی ظهوراً از ظاهر کتاب است.

شمار نمی‌آید و یا جنبه تاریخی آن برای موضوع خاص دیگری است؛ ولی در جریان تاریخی دیگری نیز این آیه به مناسبتی قرائت شده است. در این صورت با جست‌وجوی واژه‌ای، روایت ذیل آن آیه که مبین جریان تاریخی است، استخراج می‌شود؛

۲. **روایات فقهی:** گاهی روایتی در توضیح و تبیین حکمی خاص در کتابی با رویکرد فقهی با شرح و بسط آن حکم آمده، ولی از آنجا که مکان، زمان و دلیل توضیح آن حکم در مکان و جریانی خاص بوده، جزو روایات تاریخی نیز به شمار می‌آید؛

۳. **روایات اعتقادی:** گاه در روایتی اعتقادی، حدیث دارای قبل و بعدی است که پرده از حقیقتی تاریخی برمی‌دارد؛

۴. **روایات اخلاقی:** گاه روایتی اخلاقی در مدح یا ذم افرادی یا موضعی بیان شده که بررسی آن موضع و موضوع، جریانی تاریخی را شرح می‌دهد؛

۵. **کتب رجالی:** گاه در بازشناسی شخصیت‌ها در کتب رجالی، یا خود آنها در جریانی تاریخی نقش داشته‌اند و یا ناقل روایتی هستند که بررسی آنها، ما را با جریانی تاریخی روبه‌رو می‌سازد.

جست‌وجوی واژه‌ای می‌تواند به صورت‌های مختلف صورت گیرد. واژه‌شناسی برای واژه‌یابی زمانی بهتر انجام می‌شود که اندکی مطالعات تاریخی صورت پذیرد. بسیاری از واژگان در بستر برخی مطالعات و دانستن بخشی از جریان یا... به دست می‌آیند. برای نمونه بخشی از این واژگان بدین شرح‌اند:

۱. نام واقعه، مانند: صلح حدیبیه، فتح خیبر و ذات السلاسل؛
۲. نام مکان وقوع واقعه، مانند جحفه (غدیر)، ذوالحلیفه (صلح حدیبیه) عقبه (تبوک)، اوطاس (غزوه حنین) و بصری (غزوه موته)؛
۳. نام شخصیت‌ها و قبایل حاضر در واقعه، مانند: سعدبن عباد (سقیفه و...)، دُریدُ بنُ الصَّمَةِ الجُشَمی (رئیس قبیله «جُشم» در غزوه حنین)، شُرْحَبیل (حاکم بصری در غزوه موته)، قبیله اوس و خزرج (جریان سقیفه بنی ساعده) و قبیله هوازن (غزوه حنین)؛
۴. تاریخ: مانند ذی‌قعدہ سال ششم (صلح حدیبیه)، جمادی الاول سال هشتم

(غزوه موده) و ذیحجه سال هفتم (فتح خیبر)؛

۵. نام حالت و یا شیئی خاص، مانند: محلقین (فتح خیر و صلح حدیبیه)، الرایه

(پرچم در جنگ‌های مختلف) و مغفر (کلاه خود مرحب)؛

۶. نام راویانی که احتمال نقل روایت تاریخی از آنها وجود دارد.

استخراج واقعه‌ای تاریخی از میان انبوه روایات و منابع شیعی می‌تواند با جست‌وجوی واژه‌های مختلف صورت پذیرد. با دانستن بخش‌هایی از تاریخ و یافتن کلیدواژگان، می‌توان جست‌وجوی دقیقی انجام داد و اغلب روایات و گزارش‌های مرتبط را استخراج کرد. برخی واژگان در برخی روایات به کار رفته‌اند و در برخی دیگر استفاده نشده‌اند؛ درحالی‌که در روایات دیگر همان واژگان با اندکی تفاوت یا هم‌معنای آنها به کار رفته‌اند.

از آنجاکه در هر گزارش و روایت، ممکن است بخشی از واقعه و از زاویه‌ای خاص دیده شده باشد، جمع‌آوری و کنار هم نهادن آنها می‌تواند در بازسازی واقعه تاریخی به گونه‌ای که بتوان از آن بهره‌کلامی برد، کمک شایانی می‌کند.

### ۳-۳. منابع تاریخی

یکی دیگر از مؤلفه‌ها و ارکان تاریخ‌پژوهی شیعی، منابع تاریخی موجودند که لزوماً دارای منبع و حیاتی نیستند. گاهی برای کشف معانی و مفاهیم تاریخی قرآن، همچنان نیازمندیم که در عرض و نه در طول، آن هم با بررسی و تحلیل و رعایت ضوابط پژوهش، به گزارش‌های تاریخی رجوع کنیم. میراث بزرگ تاریخی مسلمانان، نشان‌دهنده وجود انگیزه‌ها و خاستگاه‌های نیرومندی میان آنان برای بارور ساختن دانش تاریخ است. بر پایه آنچه از اسامی کتاب‌ها و نوشته‌های تاریخی به دست می‌آید، می‌توان نوشته‌های تاریخی مسلمانان را به چند گروه تقسیم کرد: معیار در تعیین گونه‌ها، روش تاریخ‌نگاری، موضوع تاریخ‌نگاری، گستره و هدف (برای آگاهی بیشتر در این زمینه، ر.ک: جعفریان، ۱۳۷۳، ص ۱۷-۴۵)؛ اما به صورت کلی منابع تاریخی به دو دسته شیعی و عامه تقسیم می‌شوند.

#### ۱-۳-۳. منابع تاریخی شیعی

شیعیان به موازات دیگر مسلمانان کار خود را در تدوین دانش‌های اسلامی آغاز کردند. یکی از

این دانش‌ها، دانش تاریخ بود. در کنار جنبش تاریخ‌نگاری عراق، شیعه نیز فعالیت خود را آغاز و در آن جنبش مساهمت و همکاری کرد. موضوعات گونه‌گون سیره نبوی و نیز تاریخ تحولات عراق از موضوعاتی بود که شیعیان کاملاً به آنها علاقه‌مند بودند و به هیچ‌روی خود را جدا از آن تحولات نمی‌دیدند. طبیعی بود که در آن میان، حرکت‌ها و جنبش‌های شیعی یا متمایل به تشیع و یا حتی مخالف دولت اموی برای آنها - گاه از سیره نبوی نیز - مهم‌تر بود؛ زیرا آنان شاهد بودند که به‌هرروی سیره نبوی نگارش می‌یابد و دیگران هم به آن توجه دارند؛ اما اخبار علویان و جنبش‌های شیعی از میان می‌رود و یا به‌صراحت تحریف می‌شود. دیگر تحولات، نظیر بحث از تاریخ خلفا نمی‌توانست توجه شیعیان را به خود جلب کند. دلیل آن نیز این بود که شیعه پیوندی میان تاریخ خود و تاریخ آنها نمی‌دید و طبعاً جز از زاویه منفی به آن نمی‌نگریست.

بیش از صد منبع تاریخی شیعی در شش گروه «آثار شیعی در سیره نبوی در قرون نخست»، «کتاب‌های دلایل از قرن چهارم تا ششم»، «کتاب‌های کلامی تاریخی»، «کتاب‌های حدیثی تاریخی»، «کتاب‌های رجالی تاریخی»، «تواریخ دوازده امام • از قرن پنجم تا هفتم» نگاشته شده‌اند (جعفریان، ۱۳۷۳، مقدمه). برخی از این کتب امروزه به صورت مدون چاپ شده‌اند و برخی دیگر، اصلشان از بین رفته اما گزاره‌های ارزشمندشان در میان دیگر منابع غنی شیعه به چشم می‌خورد که با نام کتاب یا راویان یا محتوا از میان دیگر کتب کاملاً قابل دستیابی و بازیابی‌اند. برخی دیگر از این کتب نیز به‌کلی از بین رفته‌اند و صرفاً گزارشی از نگارش آنها در قدیم‌الایام در دسترس است.

## ۲-۳-۳. منابع تاریخی عامه

تا بدینجا روشن شد که:

اولاً به دلایل پیش‌گفته، منابع تاریخی عامه بدون بررسی علمی اعتبار چندانی ندارند و نمی‌توانند به عنوان منبع معتبر معرفی و استفاده شوند؛ ثانیاً با توجه به غنای منابع معتبر امامیه در مباحث تاریخی (از قرآن و سنت) و منابع تاریخی شیعه، لزوماً نیازی ضروری و همه‌جانبه به استفاده اثباتی از منابع عامه نیست؛ اما می‌توان از آنها به صورت احتجاجی بهره‌های فراوان برد. همچنین ممکن است گاهی در برخی موارد برای پر کردن خلأهای موجود در الگوی تاریخی شیعی و کشف معانی و مفاهیم تاریخی قرآنی بتوان با شرایطی و با در نظر گرفتن ضوابط و ظرایفی به منابع عامه رجوع کرد.

شرایط و ضوابط بهره‌گیری از منابع عامه در الگوی تاریخ‌پژوهی شیعی، به شرح زیر است:

۱. عدم مغایرت گزارش‌های تاریخی عامه با قرآن کریم؛
۲. عدم مغایرت گزارش‌های تاریخی عامه با روایات و منابع معتبر امامیه؛
۳. عدم مغایرت گزارش‌های تاریخی عامه با اصول کلامی امامیه، مانند عصمت رسول خدا ﷺ و افضلیت امیرالمؤمنین (علیه السلام)؛
۴. دانش‌افزایی هدایتی گزارش‌های تاریخی عامه.

با توجه به آنچه در «تحلیل گفتمان انتقادی» گفته شد، فرهنگ و باورها به هیچ وجه امری خنثا و بی‌طرف نیستند؛ زیرا قرار است منافع گروهی را به ضرر گروه دیگری تأمین کنند. هر گروهی در تلاش است که نظام‌های معنایی خاصی را ایجاد کند. به عبارت دیگر، از طریق خلق نظام‌های معنایی، معمولاً گروهی را بی‌اعتبار جلوه می‌دهند و گروهی دیگر را معتبر؛ عده‌ای را به حاشیه می‌رانند و عده‌ای دیگر را در مرکز متن قرار می‌دهند (بهرامپور، ۱۳۷۹: مقدمه)؛ اما با دقت در واژگان به‌کاررفته در تاریخ منقول میان منابع تاریخی متداول و تکرار آنها عملاً می‌توان از گفتمان غالب رمزگشایی کرد و به تاریخ قطعی دست یافت و اصالت تاریخی باور امامتی را از میان نخستین ادوار به اثبات رساند که این خود مبین باورهای امامتی شیعی است. بنابراین با استفاده از رمزگشایی منابع متداول عامه، می‌توان کمک شایانی کرد تا حقایق و آموزه‌هایی که از ابتدا در ساختار اندیشه و عقیده‌ها تعبیه و دچار دگرگونی زبانی شده‌اند کشف و به عنوان شواهدی در نگاره‌های عامه برای احتجاج استخراج شوند.<sup>۱</sup>

#### ۳-۴. اصول کلامی امامیه

پیش از ورود به بحث، برای آنکه مراد از باورهای مسلم و اصول کلامی روشن شود، مقدمه زیر ضروری به نظر می‌رسد. در بحث منابع علم کلام، اختلافی میان متکلمان امامیه در اصل حجیت «عقل» و «وحی» نیست. با نگاهی کلی می‌توان منابع علم کلام را در امامیه، میان دو دسته «عقل و نقل» جای داد که منظور از نقل، همان قرآن و احادیث است (برنجکار، ۱۳۷۴، ص ۱۳۹). از آنجاکه در الگوی تاریخ‌پژوهی شیعی، دو رکن از چهار رکن، قرآن و روایات هستند، عملاً بازگشت منابع نقلی علم کلام، به دور رکن اول است. از این رو مؤلفه و رکن چهارم الگوی تاریخ‌پژوهی شیعی که

۱. برای آگاهی بیشتر از نمونه‌های رمزگشایی، ر.ک: سیدعبدالحمید، ابطحی (۱۳۹۴). «تبیین تاریخی در مورد باور شیعیان به علم الهی امامان و آگاهی ایشان به مغیبات» دانشگاه پیام نور.

اصول کلامی امامیه است، در واقع منبع دوم علم کلام یعنی «عقل» است. بنابراین باورهای مسلم کلامی که در این الگو از آنها سخن به میان می‌آید، باورهای برخاسته از عقل‌اند.

سیره نبوی صرفاً تاریخ نیست تا در بررسی و پذیرش یارد آن فقط معیارهای تاریخی و روش‌های بررسی اسناد و مدارک تاریخی مورد ملاحظه پژوهشگر باشد، بلکه یک منبع معرفت‌شناختی است که همه تعالیم، آموزه‌ها و ارزش‌های دینی از آن قابل استخراج‌اند (عاملی، ۱۴۲۶، مقدمه). به همین سبب علاوه بر پژوهش در اسناد و روایات تاریخی، باید از باورهای مسلم کلامی (برخاسته از عقل) بهره‌برد. در تعارض باورهای کلامی و گزارش‌های تاریخی متداول، باورهای قطعی که حکایتگر حقایق ثابت و مبتنی بر عقل هستند، بر اخبار و گزارش‌های تاریخی ترجیح دارند.

استفاده از اصول کلامی در الگوی تاریخ‌پژوهی امامیه، استفاده رفت و برگشتی است. به دیگر سخن باورهای مسلم کلامی برخاسته از عقل، سنگ محکی برای ارزیابی گزارش‌های تاریخی‌اند. از سوی دیگر گزارش‌های تاریخی یقینی بر اساس ارزیابی صورت‌پذیرفته، وارد منظومه منابع کلامی می‌شوند و خود به باور مسلم کلامی مبدل می‌گردند. این باورهای برخاسته از تاریخ قطعی به‌خودی‌خود ملاک ارزیابی دیگر منابع و نقلیات خواهند بود. در الگوی تاریخ‌پژوهی کلامی امامیه به این‌گونه بهره‌گیری و دخالت باورهای کلامی، دخالت و استفاده‌ای دوسویه و دخالت و بهره‌گیری رفت و برگشتی گفته می‌شود.

یکی از باورهای مسلم کلامی برخاسته از عقل که در تشخیص بسیاری از اشتباهات تاریخی و نیز به عنوان معیار قطعی سنجش، پذیرش و یارد اخبار و گزارش‌های تاریخی به کار گرفته می‌شود، عصمت و برگزیدگی الهی رسول‌الله ﷺ و اوصیای ایشان است.<sup>۱</sup> غفلت و یا تغافل مورخان مکتب خلفا نسبت به این باور مسلم کلامی موجب شده تا سیمای نادرستی از رسول خدا ﷺ نمایانده شود؛ فردی ناتوان که چون کودکان عمل می‌کند و خشنودی و غضب او از روی ناتوانی و آشفتگی است. از این‌رو بسیاری از افراد از او داناتر و به نبوت شایسته‌ترند (عاملی، ۱۴۲۸، ج ۱، ص ۱۷-۲۲). در ادامه برخی مواردی که با استناد به باور مسلم عقلی عصمت و برگزیدگی الهی ایشان، بدون بررسی سندی و روش‌های تاریخی با نگاه اول مردود هستند، به صورت فهرست‌وار ارائه می‌شوند:

۱. سهو پیغمبر در نماز (عسقلانی، ۱۳۰۰، ج ۳، ص ۷۷)؛

۲. افسانه غرانیق (ابن هشام، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۲۳۵)؛

۳. مواضع سپاه اسلام در جنگ بدر نسبت به پیامبر (واقعی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۴۸)؛

۱. برای آگاهی از اثبات این مدعای عقلی ر.ک: مفید، ۱۴۱۴ق، ص ۴۰.

۴. تماشای رقص سیاهان در مسجد که بر پایه برخی روایات مکتب خلفا، در حالی بوده است که عایشه گونه‌اش را بر گونه حضرت قرار داده و هر دو نظاره‌گر رقص آنان بوده‌اند (ترمذی، بی تا، ج ۵، ص ۵۸۰)؛
۵. مسابقه دوی پیامبر با عایشه، که سپاه را رها کرد و به سوی عایشه دوید (کاتب واقعی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۴۳۲)؛
۶. کشف عورت حضرت که برای حمل سنگ، لباسش را بیرون آورد (بخاری، ج ۲، ص ۲۰۳).
۷. آوازخوانی زنان مدینه و گوش فرادادن حضرت به آنان هنگام استقبال از او ابتدای هجرت (حلبی شافعی، ۱۳۲۰، ج ۲، ص ۶۲)؛
۸. نزول آیه ۶۷ سوره انفال در موافقت با دیدگاه عمر بن خطاب و مخالفت با رسول خدا ﷺ درباره اسرای بدر (طبری، ۱۳۸۷: ج ۱، ص ۱۶۹).

### نتیجه‌گیری

«الگوی تاریخ‌پژوهی مبتنی بر آیات و روایات و اصول کلامی امامیه»، الگویی است که با دستیابی به منابع اصیل و وحیانی، تأثیرگذاری باورهای کلامی نگارندگان را به حداقل می‌رساند و بازتاب‌دهنده باورهای وحیانی است. با ارائه الگوی تاریخ‌پژوهی مبتنی بر آیات و روایات و اصول کلامی امامیه، می‌توان گزارش‌های قطعی تاریخی ارائه کرد که به خودی خود باورساز باشند و برای باورهای برخاسته از آیات و روایات شواهد تاریخی ارائه کرد و آنها را تبیین نمود و همچنین با در دست داشتن تاریخ قطعی به پاسخ‌گویی بسیاری از شبهات کلامی مبتنی بر تاریخی پرداخت.



## منابع

- قرآن کریم
- نهج البلاغه
- ابطحي، سيدعبدالحميد (۱۳۹۴). تبیین تاریخی در مورد باور شیعیان به علم الهی امامان و آگاهی ایشان به مغیبات. رساله دکتری. دانشگاه پیام نور.
- برنجکار، رضا (۱۳۹۱). روش شناسی علم کلام. قم: مؤسسه علمی و فرهنگی دارالحديث.
- برنجکار، رضا (۱۳۷۴). معرفت فطری خدا. تهران: مؤسسه نبأ.
- ابن هشام، عبدالملک بن هشام (۱۳۷۵). السيرة النبويه. ترجمه سیدهاشم رسولی محلاتی. قم: کتابچی.
- ابن حنبل، احمد بن محمد (۱۳۱۳ق). المسند. مصر. بيروت: دار صادر.
- ابوزهره، محمد (بی تا). تاریخ المذاهب الاسلامیه. قاهره: دارالفکر العربی.
- انصاری، شیخ مرتضی (۱۳۷۲). فوائد الاصول. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- بخاری، محمد بن اسماعیل (بی تا). صحیح البخاری. بيروت: دارالمعرفة.
- بهرامپور، شعبانعلی (۱۳۷۹). تحلیل انتقادی گفتمان. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- تفتازانی، سعد الدین مسعود بن عمر (۱۳۷۱). المقاصد و شرح المقاصد. تحقیق دکتر عبدالرحمن عمیره. قم: انتشارات شریف رضی.
- ترمذی، محمد بن عیسی (بی تا). صحیح ترمذی. تحقیق احمد محمد شاکر. بيروت: دارالکتب العلمیه.
- تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد (۱۴۱۰ ق). غرر الحکم و درر الکلم - قم.
- جعفریان، رسول (۱۳۷۳). حیات فکری و سیاسی ائمه علیهم السلام. ج ۱ و ۲. تهران: سازمان چاپ و انتشارات تهران.
- حلبی شافعی، ابوالفرج (۱۳۲۰ ق). السيرة الحلبیه. بی جا.
- خوئی، سید ابوالقاسم (۱۴۳۰ ق). البیان فی تفسیر القرآن. قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی.
- \_\_\_\_\_ (بی تا). مصباح الاصول، تقرير السيد محمد الواعظ الحسيني. قم: منشورات مكتبة الداوری.

- روشن بین، ایمان (۱۳۹۰). تأثیر باورهای کلامی ابن هشام بر تألیف السیره النبویه. تهران: دانشگاه قرآن و حدیث.
- سلیمی، معصومه (۱۳۹۲). بن مایه های قرآنی بصائر الدرجات. تهران: دانشگاه قرآن و حدیث.
- صدوق، محمدبن علی (۱۳۷۶). الأمالی. تهران: کتابچی.
- طبری، محمدبن جریر (۱۳۸۷). تاریخ الامم والملوک. قاهره: دارالمعارف.
- عاملی، جعفر مرتضی (۱۴۲۶ق). الصحيح من سیره النبی الأعظم. قم: دار الحدیث.
- علی بن ابی طالب (علیه السلام)، غرر الحکم،
- عسقلانی، احمد بن علی بن حجر (۱۳۰۰). فتح الباری. بیروت: دارالمعرفة.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- مفید، محمدبن محمد (۱۴۱۳ق). الاختصاص. تصحیح غفاری. قم: المؤتمر العالمي لالفیة الشیخ المفید.
- مفید، محمدبن محمد (۱۴۱۴ق). اوائل المقالات. بیروت: دارالمفید.